

تفاوت ملاک‌های انتخاب همسر بین دو جنس

Gender Differences in Mate Selection Criteria

H. Jebraeili, M.D.

هاشم جبرائیلی

کارشناس ارشد روان‌شناسی خانواده‌درمانی

A. ZadehMohammadi, Ph.D.

دکتر علی زاده‌محمدی

عضو هیئت‌علمی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

M. Heidari, Ph.D.

دکتر محمود حیدری

عضو هیئت‌علمی دانشکده روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۱/۳/۲۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۳/۱۶

پذیرش مقاله: ۹۲/۴/۲۶

Abstract

The purpose of the present study was to investigate the males and females mate preferences, comparing the criteria between two sexes, and the changes in most important criteria in the sample of this study with a previous sample of a study that was carried out in Iran in early 80s. Subjects were 375 (168 mal and 207 female) students selected through available sampling from Shahid Beheshti university and were assessed using questionnaire of mate selection criteria.

The data of this research was analyzed using friedman and independent t test.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ترجیح‌های انتخاب همسر دختران و پسران، مقایسه ملاک‌های دو جنس و بررسی تغییرات ایجاد شده در مهم‌ترین ملاک‌های این نمونه، در مقایسه با نمونه پژوهشی انجام گرفت که در اوایل دهه شصت در کشور انجام شده بود. تعداد دانشجوی (۳۷۵ دانشجو (۱۶۸ پسر و ۲۰۷ دختر) به شیوه نمونه‌گیری در دسترس از بین دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی انتخاب شدند و با استفاده از پرسش‌نامه ملاک‌های انتخاب همسر بررسی شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون‌های فریدمن و t مستقل تحلیل شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که بین پسران و دختران در بیشتر ملاک‌های انتخاب همسر تفاوت معناداری وجود دارد.

✉ Corresponding author: Ardabil, Meshginshahr, Anar Village.

Tel: +98-9373411910

Email: jebraeilypora@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: اردبیل، مشگین‌شهر، بخش مشگین شرقی،

روستای انار

تلفن: ۰۹۳۷۳۴۱۱۹۱۰

پست الکترونیکی: jebraeilypora@yahoo.com

Result showed that there were significant differences between males and females in most of the mate selection criteria.

Overall, males preferred criteria related with beautifulness and females preferred the criteria related to males financial capability and reliability. Furthermore, the results of the present study indicate a serial of changes that have been occurred since early 80's in mate selection criteria. For example, an increase in the importance of good finance prospect for females and the important of the beautifulness for males of this sample. The results related to sex differences support the evolutionary theory of mate selection. Comparing the results of the present study and the results of study that has been done in early 80's shows cultural changes in our country from traditional and religious values towards non-traditional and modern values in mate selection.

Keywords: culture, evolutionary theory, mate selection criteria, marriage.

به طور کلی، پسران، ملاک‌های مرتبط با زیبایی و دختران، ملاک‌های مرتبط با توانایی مالی مرد و قابل اتکا بودن او را بیشتر ترجیح می‌دهند.

همچنین مقایسه نتایج پژوهش حاضر با پژوهش انجام شده در اوایل دهه شصت نشان‌دهنده تغییراتی در زمینه ملاک‌های انتخاب همسر، از جمله افزایش اهمیت آینده مالی خوب برای دختران و اهمیت زیبایی برای پسران نمونه حاضر بود. یافته‌های مربوط به تفاوت‌های جنسیتی از دیدگاه تکاملی انتخاب همسر حمایت کرد. مقایسه نتایج پژوهش حاضر با پژوهش انجام شده در اوایل دهه شصت نیز حاکی از تغییراتی در فرهنگ کشور از ارزش‌های سنتی و دینی در انتخاب همسر به سوی ارزش‌های غیرسنتی و مدرن بود.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، فرهنگ، ملاک‌های انتخاب همسر، نظریه تکاملی.

مقدمه

انسان در طول حیات خود پیوسته در حال انتخاب است. انتخاب همسر^۱ نیز یکی از انتخاب‌های بسیار مهم است که بیشتر افراد دست‌کم یک‌بار در زندگی خود، با آن روبه‌رو می‌شوند. انسان در هر انتخاب، خواسته یا ناخواسته، ملاک‌هایی را مبنا قرار می‌دهد. تعدادی از این ملاک‌ها مختص به فرد و بعضی نیز تقریباً بین همه اعضای یک گروه، از نظر جنس یا نوع مشترک‌اند (نصیرزاده، ۱۳۸۸). یکی از تفاوت‌های بسیار مهمی که پژوهشگران مختلف در بررسی ملاک‌های انتخاب همسر به آن اشاره کرده‌اند، تفاوت بین زنان و مردان است (باس، ۱۹۹۱).

مطالعه ترجیح‌های انتخاب همسر تاریخچه طولانی دارد و به هفت دهه پیش برمی‌گردد (نیلی، ۱۹۴۰؛ اسمیت و مونان، ۱۹۵۳؛ به‌نقل از گودوین، ۲۰۰۲). با وجود این، تحقیقات جدید درباره انتخاب همسر از اواخر قرن بیستم شروع شده و بیشتر، بر شایستگی نسبی نظریه تکاملی^۲ در برابر نظریه اجتماعی - اقتصادی^۳ بر تبیین تفاوت‌های جنسی در ملاک‌های انتخاب همسر متمرکز شده است (برای مثال، ارچر، ۱۹۹۶؛ بومبار، ۱۹۹۶؛ باس، ۱۹۹۵؛ دوسچه و روجان و فیشر، ۱۹۹۹؛ گودوین، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۲؛ خالد، ۲۰۰۴؛ لی، ۲۰۱۰).

زیست‌شناسی تکاملی تبیین خود را درباره انتخاب همسر به این صورت مطرح می‌کند که انسان می‌کوشد احتمال پخش ژن‌های خود را به حداکثر برساند. در جریان تنازع بقا، شایسته‌ترین اعضای یک گونه به اندازه کافی زنده می‌مانند تا ویژگی‌های خود را به نسل بعد انتقال دهند. ویژگی‌های فیزیولوژیک متفاوت زنان و مردان باعث می‌شود آن‌ها راهکارهای متفاوتی برای پخش ژن‌های خود داشته باشند. برای مثال، زنان کمتر از مردان می‌توانند فرزند داشته باشند؛ زیرا حداکثر طی دوره‌ای ۲۵ ساله، توانایی بچه‌دار شدن داشته و هر بارداری نیز نه ماه طول می‌کشد؛ اما مردان طی دوره‌ای از بلوغ تا مرگ به لحاظ نظری، می‌توانند هزاران فرزند داشته باشند (نصیرزاده، ۱۳۸۸).

برای مردان بیشتر از زنان، تولید مثل با دست‌یابی به زنان بارور محدود شده است (سیمونز، ۱۹۷۹؛ ویلیامز، ۱۹۷۵). مردان باید ویژگی‌هایی را در همسر بالقوه ترجیح بدهند که با توانایی تولید مثل مرتبط باشد (باس، ۱۹۸۶؛ سیمونز، ۱۹۷۹؛ ویلیامز، ۱۹۷۵). ویژگی‌هایی از سیمای ظاهری که با جوانی مرتبط‌اند، مانند پوست نرم، ریتم ماهیچه‌ای خوب، موهای درخشان و رفتارهای نشان‌دهنده جوانی، مانند داشتن انرژی عالی و راه رفتن با سرزندگی، احتمالاً قوی‌ترین علایم را برای نشان دادن قابلیت تولیدمثل زنان فراهم می‌کنند (سیمونز، ۱۹۷۹؛ ویلیامز، ۱۹۷۵؛ باس، ۱۹۸۹). بنابراین جذابیت جنسی و استانداردهای زیبایی احتمالاً مطابق با این ویژگی‌ها تحول یافته‌اند.

نظریه تکاملی ملاک‌های انتخاب همسر در طول سه دهه اخیر، به‌طور گسترده بررسی شده است و یافته‌ها به‌شدت از تبیین‌های نظریه تکاملی درباره تفاوت‌های جنسی در ملاک‌های انتخاب همسر حمایت کرده‌اند. در فرهنگ‌های مختلف، زنان بیشتر از مردان نشانه‌هایی را مهم می‌دانند که با توانایی کسب منابع در همسر بالقوه مرتبط‌اند، درحالی‌که مردان به نشانه‌های توانایی تولیدمثل در زنان، مانند جذابیت‌های جسمانی اهمیت بیشتری می‌دهند (برای نمونه، باس، ۱۹۸۹؛ کنریک و کیف، ۱۹۹۲؛ تودوسیویچیک، ۲۰۰۳؛ خالد، ۲۰۰۴؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ لی و همکاران، ۲۰۱۰).

دیدگاه اجتماعی - اقتصادی با اینکه تفاوت‌های مشاهده شده بین زنان و مردان در ملاک‌های انتخاب همسر را می‌پذیرد، آن را به‌گونه متفاوتی تبیین می‌کند. براساس تحلیل مبتنی بر این دیدگاه، وقتی موقعیت اجتماعی - اقتصادی زنان بهتر می‌شود، تأکید آن‌ها بر وضعیت مالی همسر کاهش می‌یابد. اخیراً ایگلی^۴ و وود^۵ (۲۰۰۴) تحلیلی پیچیده از این مسئله ارائه داده‌اند. آن‌ها با تحلیل داده‌های باس و

همکاران (۱۹۹۹) به این نتیجه رسیده‌اند که تفاوت‌ها در ملاک‌های انتخاب همسر بین مردان و زنان مربوط به تفاوت نقش‌های اجتماعی است که به‌وسیله هر جنس در بیشتر جوامع برعهده گرفته می‌شود. مطابق با نظریه نقش‌های اجتماعی^۶ ایگلی، ملاک‌هایی که مردان و زنان در انتخاب همسر به کار می‌برند، منعکس‌کننده مسئولیت‌های مختلف و تعهداتی است که در درون نقش‌های اجتماعی جاری و آینده هر جنس قرار دارد. در دیدگاهی مشابه، نظریه بی‌قدرتی ساختاری^۷ (باس و بارنس، ۱۹۸۶) مطرح می‌کند که تمایل زنان برای تأکید بر منابع مردان، مربوط به نابرابری‌های زناشویی بین مردان و زنان در جوامع بشری است. هر دو نظریه بر این عقیده‌اند که بهبود وضعیت اجتماعی - اقتصادی زنان باعث تغییراتی در ترجیح‌های همسرگزینی آن‌ها خواهد شد (خالد، ۲۰۰۵).

علاوه بر ملاحظات تکاملی و اجتماعی - اقتصادی، ملاک‌هایی که افراد برای انتخاب همسر در نظر می‌گیرند، شدیداً تحت تأثیر متغیرهای فرهنگی قرار دارند. به‌عنوان مثال، افراد جوامع در حال توسعه و سنتی مایل‌اند در انتخاب همسر اهمیت بیشتری را به ویژگی‌هایی مانند پاک‌دامنی و خانه‌داری و اهل فرزند و خانواده‌دار بودن بدهند (بای و همکاران، ۱۹۹۰). همچنین اولویت‌بندی ملاک‌های انتخاب همسر به‌وسیله مردان و زنان می‌تواند برحسب میزان فردگرا بودن فرهنگ، مشابه یا متفاوت باشد. به‌عنوان مثال، شواهد در دسترس مؤید آن است که نمونه‌هایی از جوامع آسیایی و آفریقایی، در مقایسه با نمونه‌های اروپایی، در ملاک‌های انتخاب همسر تفاوت‌های جنسیتی بیشتری نشان می‌دهند (خالد، ۲۰۰۵).

گرچه تفاوت‌هایی بین دیدگاه‌های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی وجود دارد، نکته مشترک آن‌ها تأکید بر امکان تغییر ملاک‌های انتخاب همسر در طول زمان است. دنیای غرب در فرایند مدرنیته و صنعتی شدن، تغییرات عظیمی را تجربه کرده است که از جمله آن می‌توان به سکولاریسم، افزایش شهرنشینی، سنت‌زدایی و افزایش رقابت و ارزش‌های بازار آزاد اشاره کرد. بر اثر این تحولات، در طول نیم‌قرن گذشته، کشورهای توسعه‌یافته شاهد تغییراتی اساسی در ازدواج و ملاک‌های انتخاب همسر بوده‌اند (رینولد و منسفیلد، ۱۹۹۷). با توجه به این تحولات، تغییر ملاک‌های انتخاب همسر دختران و پسران کشورمان دور از انتظار نیست و یافته‌هایی که برخی پژوهشگران در سال‌های اخیر ارائه داده‌اند نیز حاکی از چنین تغییراتی است؛ ولی همه پژوهشگران با چنین دیدگاهی موافق نیستند و یافته‌هایی گزارش کرده‌اند که حاکی از پایداری جوانان ایرانی به ملاک‌های سنتی در انتخاب همسر است. باس (۱۹۸۹) در پژوهش ملاک‌های همسرگزینی در ۳۷ فرهنگ متفاوت که چند دهه پیش انجام شد، نشان داد که با وجود پراکندگی‌های منحصر به فرد فرهنگی مربوط به هر نمونه، اگرچه اشتراک عمده‌ای میان تمام نمونه‌ها وجود دارد، در عین حال هر فرهنگ در ملاک‌های همسرگزینی، ویژگی‌های خاص خود را دارد. در مقایسه نمونه ایرانی پژوهش مذکور با سایر نمونه‌ها، جوانان ایرانی در انتخاب همسر، ملاک‌هایی نسبتاً سنتی داشتند: زنان بیشتر ترجیح می‌دادند با کسی ازدواج کنند

که منابع بیشتر داشته باشد؛ ولی مردان ترجیح می‌دادند همسری را برگزینند که دارای جذابیت جسمانی بیشتر باشد.

در پژوهش‌های جدیدتر در کشورمان، عباس‌زاده (۱۳۸۹) با بررسی معیارهای انتخاب همسر ۳۸۴ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی زابل، نشان داد که بین بیشتر معیارهای انتخاب همسر، یعنی تحصیلات عالی، زیبایی ظاهری، مادیات، میزان مهریه، شغل همسر و موقعیت اجتماعی، با جنس دانشجویان ارتباط معناداری وجود دارد. تنها، معیار پایبندی به اعتقادات، با جنس دانشجویان ارتباط معناداری نداشت. بیشترین اختلاف در پاسخ‌ها مربوط به زیبایی ظاهری و شغل همسر بود که به ترتیب، برای پسران و دختران از بیشترین اهمیت برخوردار بود. در پژوهشی دیگر، دلخوش (۱۳۸۸) ارزش‌های فرهنگی ازدواج در بین ۲ هزار و ۶۸۰ دانشجو و دانش‌آموز دختر و پسر ایرانی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که هم دختران و هم پسران، در رویارویی با الگوهای ارزش سنتی و غیرسنتی ازدواج، بر ارزش‌های سنتی تأکید کمتری می‌کنند؛ به این معنی که در انتخاب همسر، بیشتر بر برابری و خودپیروی و کمتر بر نابرابری و محاطشدگی اهمیت می‌دهند.

نصیرزاده (۱۳۸۷) در پژوهشی با هدف بررسی شاخص‌های جسمانی انتخاب همسر در دانشجویان، با ۱ هزار و ۱۲۶ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران، به این نتیجه رسیده است که هم برای دختران و هم برای پسران، جذابیت جسمانی نقش مهمی در انتخاب همسر دارد. در پژوهشی با استفاده از دانشجویان دانشگاه شیراز نیز به چهار ملاک تعهد، پاکدامنی، اخلاق و سلامت، به‌عنوان مهم‌ترین ملاک‌ها در گروه زن و مرد متأهل و مجرد اشاره شده است. ضمن آنکه عوامل مالی نیز ملاکی مهم در انتخاب همسر زنان بود. در این پژوهش، برخلاف یافته‌های باس، ملاک ظاهر و قیافه همسر در گروه مردان، چه مجرد و چه متأهل، در مقایسه با ملاک‌های دیگر کم‌اهمیت بود (به نقل از نصیرزاده، ۱۳۸۸).

حیدری (۱۳۸۷) با بررسی ملاک‌های ازدواج ۳۸۰ دانشجوی دختر و پسر مجرد از بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران، اولویت‌های انتخاب همسر را به ترتیب اهمیت، از تفاهم اخلاقی، وفاداری، مسئولیت‌پذیری تا زیبایی و جذابیت رتبه‌بندی کرده است. همچنین یافته‌های او نشان می‌دهد که معیارهای ارزشمند برای دانشجویان پسر، به ترتیب تفاهم اخلاقی، وفاداری، مسئولیت‌پذیری، زیبایی و جذابیت ظاهری و شناخت قبل از ازدواج؛ اما برای دانشجویان دختر، تفاهم اخلاقی، وفاداری، رضایت والدین، شناخت قبل از ازدواج، عشق و علاقه، مسئولیت‌پذیری، زیبایی و جذابیت ظاهری است. در پژوهشی که با ۲۲۵ زن از زوجین در شرف ازدواج شهر تهران در سال ۱۳۸۴ انجام گرفت، اولویت‌های اول در انتخاب همسر، اصالت خانوادگی، نداشتن نقص عضو ظاهری، صداقت، معاشرتی بودن، اعتقاد به برابری زن و مرد و اولویت‌های آخر، تعداد اعضای خانواده،

رنگ پوست، معتاد نبودن به سیگار، کارمند بودن و همشهری بودن گزارش شده است. در این پژوهش، برخلاف دیگر پژوهش‌ها، مذهبی بودن و وضعیت اجتماعی - اقتصادی مرد اهمیت چندانی برای زنان در شرف ازدواج نداشت (حسینی، ۱۳۸۴). حرازی (۱۳۸۰) نیز در پژوهشی با ۱ هزار و ۳۰۰ دانشجویان از دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، مهم‌ترین ملاک‌های انتخاب همسر را به این ترتیب بیان کرد: ۱. با ایمان بودن؛ ۲. خوش اخلاق بودن؛ ۳. مسئولیت‌پذیری؛ ۴. وفاداری؛ ۵. جاهت و زیبایی. در این پژوهش برخلاف پژوهش باس، زیبایی همسر در انتخاب او چندان اهمیتی نداشت. در نهایت، شهیدی (۱۳۸۷) با بررسی ملاک‌های انتخاب همسر ۳۴۳ دانشجویان از بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ملاک‌های مسئولیت‌پذیری، ویژگی‌های اخلاقی، اصالت خانوادگی، اعتقادات دینی، وضعیت ظاهری و پول‌دار بودن فرد مدنظر را به‌عنوان مهم‌ترین اولویت‌های انتخاب همسر شناسایی کرده است.

با توجه به نتایج متناقض تحقیقات قبلی و اهمیت انتخاب همسر، به‌عنوان پایه‌ای برای تشکیل خانواده سالم و ایجاد جامعه‌ای سالم و نیز با توجه به اینکه کشورمان مانند دیگر کشورهای درحال توسعه، با تغییرات وسیعی در مسائل خانوادگی، از جمله ازدواج و همسرگزینی، مانند افزایش سن ازدواج و کاهش ثبات ازدواج و ترجیح‌های نو در همسرگزینی مواجه است (مهاجرانی، ۱۳۸۹)، اهمیت مطالعه ملاک‌های انتخاب همسر دختران و پسران به‌طور مداوم و همگام با تغییرات فرهنگی کشور نمود پیدا می‌کند. از این‌رو پژوهش حاضر بررسی ملاک‌های انتخاب همسر دختران و پسران را هدف خود قرار داده است و قصد دارد به این سؤال پاسخ دهد که ملاک‌های انتخاب همسر پسران و دختران چگونه است و چه تفاوت‌هایی با هم دارد؟ علاوه بر این، برای مشخص کردن مهم‌ترین تحولاتی که در سال‌های اخیر در ملاک‌های انتخاب همسر ایجاد شده است، پژوهش حاضر قصد دارد تا نتایج این پژوهش را با مهم‌ترین نتایجی مقایسه کند که از پژوهش باس در اوایل دهه شصت از کشورمان به‌دست آمده است تا هرچند اندک، روشن‌کننده تغییرات به‌وجود آمده در زمینه ملاک‌های انتخاب همسر باشد.

روش

طرح پژوهش حاضر از سویی جزو طرح‌های زمینه‌یابی محسوب می‌شود، چون در تلاش است تا ملاک‌هایی را شناسایی کند که از نظر دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی در انتخاب همسر مهم‌اند. از سوی دیگر، چون قصد دارد ملاک‌های انتخاب همسر بین دو جنس را مقایسه کند، جزو طرح‌های علی - مقایسه‌ای محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش را تمامی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تشکیل می‌دهند که در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۱-۹۰ مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه ۳۷۵ نفر (۱۶۸ نفر پسر و ۲۰۷ نفر دختر) است که این حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان تعیین شد. از این

تعداد، پرسش‌نامه‌های ۳۶۰ نفر قابل استفاده بود و در تحلیل نهایی، به کار گرفته شد. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری دردسترس برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد و داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی، مانند آزمون فریدمن و آزمون t مستقل تحلیل شد.

پژوهش دیگری که قصد داشتیم نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر را با آن مقایسه کنیم، بررسی ملاک‌های انتخاب همسر ۵۵ جوان ایرانی بود که در اواسط دهه هشتاد میلادی، به عنوان بخشی از طرح بین‌المللی باس در کشورمان اجرا شد که قصد داشت ملاک‌های انتخاب همسر در جوامع و فرهنگ‌های مختلف را بسنجد. در هر دو پژوهش، برای شناسایی ملاک‌های انتخاب همسر و تعیین تفاوت‌های جنسیتی، از ابزار یکسان استفاده شده و آزمون آماری یکسانی نیز برای تعیین تفاوت‌های جنسیتی به کار برده شده است. میانگین سن نمونه ایرانی پژوهش باس، برای مردان ۲۴/۱۴ با انحراف معیار ۵/۱۴ و برای زنان ۲۲/۷۴ با انحراف معیار ۵/۷۰ بود.

پرسش‌نامه ملاک‌های انتخاب همسر: این پرسش‌نامه را نخستین بار باس و همکاران (۱۹۸۷)

برای بررسی ملاک‌های انتخاب همسر در کشورها و فرهنگ‌های مختلف استفاده کرده‌اند. این پرسش‌نامه شامل ملاک‌هایی است که برای انتخاب همسر مهم است و از طریق تحلیل عاملی به دست آمده که هیل^۸ (۱۹۴۵) درباره ملاک‌های مختلف انتخاب همسر انجام داده است (به نقل از باس، ۱۹۸۹). این پرسش‌نامه شامل هجده ویژگی است. از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود تا به آن‌ها در مقیاسی چهار درجه‌ای نمره بدهند: از نمره ۳ برای ویژگی‌هایی که وجود آن‌ها در همسر بالقوه بسیار مهم است، تا نمره صفر (۰) برای ویژگی‌هایی که وجود آن‌ها در همسر بالقوه اصلاً اهمیتی ندارد؛ بنابراین دامنه نمرات برای هر ملاک بین ۰-۳ است. این پرسش‌نامه را ابتدا پژوهشگر فعلی به فارسی برگرداند. سپس با مشورت‌هایی که با استادان صاحب‌نظر در این زمینه صورت گرفت، اصطلاحات مناسب برای فرهنگ ایرانی انتخاب شد. پس از آن، اصطلاحات را فردی دو زبانه به انگلیسی ترجمه کرد و در آخر، ترجمه با متن اصلی مقایسه و تغییرات و تصحیح‌های لازم در متن فارسی انجام شد.

در پژوهش جاری، برای به دست آوردن ضریب پایایی این پرسش‌نامه، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب پایایی به دست آمده برای هجده سؤال برابر با ۰/۷۶ بود. همچنین برای به دست آوردن روایی این پرسش‌نامه، از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. قبل از انجام تحلیل عاملی، اندازه شاخص کفایت نمونه‌برداری کایزر و میر و ال‌کین^۹ محاسبه و برابر با ۰/۷۵ و آزمون کرویت بارتل^{۱۰} ($\chi^2 = 958/64, P < 0/100$) به دست آمد که نشان می‌دهد نمونه و ماتریکس هم‌بستگی برای این تحلیل مناسب بوده‌اند. در این پژوهش، به منظور استخراج عامل‌ها در بین دانشجویان از روش چرخش واریماکس^{۱۱} استفاده شد.

نتایج تحلیل عاملی، سه عامل را مشخص کرد: عامل پیشرفت‌گرایی، شامل ویژگی‌های اهل

معاشرت بودن، کوشایی و ارتقا جویی، هوش و تحصیلات، آینده مالی خوب، ثبات هیجانی و پختگی عاطفی و موقعیت اجتماعی خوب؛ عامل سنتی و مذهبی بودن، شامل ویژگی‌های تمیز و مرتب بودن، نداشتن رابطه جنسی قبلی، تشابه مذهبی و اهل فرزند و خانواده‌داری بودن و عامل جذابیت جسمانی و خانه‌دار بودن، شامل ویژگی‌های خوش قیافه بودن، جذابیت عشقی متقابل، سلامتی خوب و دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن. این عوامل هر یک به ترتیب، ۲۰/۰۵ درصد و ۱۰/۲۲ درصد و ۸/۲۳ درصد (در مجموع ۳۸/۶۰ درصد) از واریانس عامل کلی ترجیح ملاک‌های انتخاب همسر را تبیین کردند.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت‌شناختی نشان‌دهنده آن است که حدود ۵۵/۳ درصد آزمودنی‌ها دختر و ۴۴/۷ درصد پسر، ۹۳/۳ درصد مجرد و ۶/۷ درصد متأهل‌اند. میانگین سن آزمودنی‌ها ۲۲/۷۴ سال با انحراف معیار ۲/۷۵ است. نتایج مربوط به سن آزمودنی‌ها و سن مناسب برای ازدواج و اختلاف سنی ترجیح داده شده برای ازدواج در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: نتایج مربوط به سن آزمودنی‌ها و سن مناسب برای ازدواج و اختلاف سنی
ترجیح داده شده برای ازدواج

p	t	زن		مرد		سن
		SD	M	SD	M	
		۲/۶۷	۲۱/۸۵	۲/۴۴	۲۳/۸۳	سن شرکت‌کنندگان
۰/۰۰۱	۴/۳۱	۲/۵۲	۲۵/۰۸	۳/۵۲	۲۶/۴۹	سن ترجیح داده شده برای ازدواج
۰/۰۰۱	-۲۵/۰۸	۲/۷۳	۴/۴۵	۲/۴۳	-۲/۸۵	تفاوت سنی ترجیح داده شده با همسر

مطابق با مندرجات جدول ۱، سن مطلوب برای ازدواج از نظر پسران، ۲۶/۴۹ و از نظر دختران، ۲۵/۰۸ است. این تفاوت در سطح $P < ۰/۰۰۱$ از نظر آماری معنادار است. همچنین میانگین مناسب‌ترین اختلاف سن بین خود و همسر از نظر پسران، ۲/۸۵- سال و از نظر دختران، ۴/۴۵ بود که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ از لحاظ آماری معنادار است. نتایج مربوط به دیدگاه دانشجویان در خصوص تفاوت سن با همسر نیز نشانگر آن بود که حدود ۹۱/۵ درصد دختران علاقه‌مندند همسران بزرگ‌تر از خود داشته باشند، ۷/۵ درصد اعتقاد به همسن بودن همسر دارند و ۱ درصد دختران ترجیح می‌دهند همسر کوچک‌تر از خود داشته باشند. در مقابل، ۷۷/۶ درصد پسران ترجیح می‌دادند که همسرشان از آن‌ها کوچک‌تر باشد، ۱۸ درصد هم‌سن بودن با همسر و تنها ۴/۳ درصد از پسران همسران بزرگ‌تر از خود را می‌پسندند.

نتایج به دست آمده از آزمون فریدمن برای تعیین مهم‌ترین ملاک‌های انتخاب پسران و دختران، حاکی از آن است که برای پسران ملاک‌های جذابیت عشقی متقابل، نداشتن رابطه جنسی قبلی، سلامتی خوب، فراهم کننده موقعیت نشاط‌انگیز، شخصیت قابل اتکا، ثبات هیجانی و پختگی عاطفی بیشترین اهمیت را دارد و ملاک‌های زمینه تحصیلی مشابه، آینده مالی خوب، تشابه در عقاید سیاسی، تشابه مذهبی، دست‌پخت خوب، خانه‌دار بودن، کوشایی و ارتقاجویی کمترین اهمیت را دارد. برای دختران، شخصیت قابل اتکا، ثبات هیجانی و پختگی عاطفی، موقعیت اجتماعی خوب، اهل فرزند و خانواده‌داری، فراهم کننده موقعیت نشاط‌انگیز و اهل معاشرت بودن، مهم‌ترین ملاک‌ها و دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن، خوش‌قیافه بودن، زمینه تحصیلی مشابه، تشابه در عقاید سیاسی، تحصیلات و هوش و تشابه مذهبی کم اهمیت‌ترین ملاک‌ها هستند (جدول ۲).

جدول ۲: اولویت ملاک‌های انتخاب همسر برای پسران و دختران

ویژگی	پسران		دختران	
	اولویت	میانگین رتبه‌ها	اولویت	میانگین رتبه‌ها
جذابیت عشقی متقابل	۱	۱۲/۴۶	۷	۱۰/۸۳
نداشتن رابطه جنسی قبلی	۲	۱۱/۸۹	۱۰	۹/۸۹
سلامتی خوب	۳	۱۱/۵۰	۶	۱۰/۸۹
فراهم‌کننده موقعیت نشاط‌انگیز	۴	۱۱/۴۹	۴	۱۱/۲۴
شخصیت قابل اتکا	۴	۱۱/۴۹	۱	۱۲/۹۷
ثبات هیجانی و پختگی عاطفی	۵	۱۱/۳۰	۲	۱۲/۲۸
تمیز و مرتب‌بودن	۶	۱۰/۸۹	۹	۱۰/۴۸
اهل فرزند و خانواده‌داری	۷	۱۰/۵۹	۴	۱۱/۲۴
موقعیت اجتماعی خوب	۸	۱۰/۳۸	۳	۱۱/۶۰
خوش‌قیافه بودن	۹	۹/۴۱	۱۶	۴/۸۴
اهل معاشرت	۱۰	۹/۳۷	۵	۱۱/۱۶
تحصیلات و هوش	۱۱	۹/۰۵	۱۳	۸/۸۱
کوشایی و ارتقاجویی	۱۲	۸/۵۳	۸	۱۰/۷۴
دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن	۱۳	۸/۳۴	۱۷	۳/۶۰
تشابه مذهبی	۱۴	۸/۳۳	۱۲	۹/۴۲
تشابه در عقاید سیاسی	۱۵	۵/۷۵	۱۴	۵/۸۵
آینده مالی خوب	۱۶	۵/۴۸	۱۱	۹/۴۸
زمینه تحصیلی مشابه	۱۷	۴/۷۵	۱۵	۵/۶۹

نتایج حاصل از آزمون t برای آزمون تفاوت بین پسران و دختران در ترجیح ملاک‌های انتخاب همسر، حاکی از آن است که بین پسران و دختران در ملاک‌های دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن، اهل معاشرت بودن، زمینه تحصیلی مشابه، آینده مالی خوب، شخصیت قابل اتکا، ثبات هیجانی و

پختگی عاطفی، موقعیت اجتماعی خوب، خوش‌قیافه بودن، تشابه مذهبی، کوشایی و ارتقاجویی و اهل فرزند و خانواده‌داری بودن در سطح $P < 0.01$ و در ملاک نداشتن رابطه جنسی قبلی در سطح $P < 0.05$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد (جدول ۳).

جدول ۳: نتایج آزمون t برای تعیین تفاوت بین پسران و دختران در ترجیح ملاک‌های انتخاب همسر

p	t	دختران		پسران		ویژگی
		SD	M	SD	M	
0.001	11/38	0/99	89/0	0/85	2	دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن
ns	-1/37	0/58	63/2	0/62	2/54	فراهم‌کننده موقعیت نشاط‌انگیز
0.001	-5/65	0/56	59/2	0/81	2/16	اهل معاشرت بودن
0.003	-2/94	1/13	43/1	1/01	1/09	زمینه تحصیلی مشابه
0.001	-10/52	0/70	35/2	1/01	1/36	آینده مالی خوب
0.017	2/40	1/13	25/2	0/90	2/51	نداشتن رابطه جنسی قبلی
ns	-0/84	0/71	49/2	0/73	2/42	تمیز و مرتب بودن
0.001	-6/26	0/37	88/2	0/62	2/53	شخصیت قابل‌اتکا
0.001	-4/75	0/47	79/2	0/70	2/48	ثبات هیجانی و پختگی عاطفی
0.001	-4/61	0/56	68/2	0/75	2/25	موقعیت اجتماعی خوب
0.001	9/22	0/76	46/1	0/73	2/19	خوش‌قیافه بودن
0.001	-4/14	0/91	28/2	1/17	1/83	تشابه مذهبی
0.001	-6/77	0/64	55/2	0/73	2/06	کوشایی و ارتقاجویی
ns	-1/69	0/98	58/1	12/02	1/40	تشابه در عقاید سیاسی
0.044	2/02	0/62	56/2	0/50	2/68	جذابیت عشقی متقابل
ns	-0/69	0/60	57/2	0/61	2/53	سلامتی خوب
ns	-1/56	0/71	36/2	0/72	2/14	تحصیلات و هوش
0.002	-3/19	0/64	2/61	0/78	2/37	فرزند و خانواده‌داری

نتایج حاصل از آزمون t برای آزمون تفاوت بین نمونه پژوهش حاضر و پژوهش انجام شده در اوایل دهه شصت، نشان‌دهنده آن است که تفاوت بین مردان دهه شصت و مردان دهه نود برای ترجیح ملاک کوشایی و ارتقاجویی در سطح $P < 0.01$ و برای ترجیح ملاک‌های خوش‌قیافه بودن و نداشتن رابطه جنسی قبلی در سطح $P < 0.05$ معنادار است. این تفاوت‌ها حاکی از آن است که برای مردان دهه نود اهمیت کوشا و ارتقاجو بودن و نداشتن رابطه جنسی قبلی زن کمتر و اهمیت خوش‌قیافه بودن زن بیشتر شده است.

مقایسه زنان دهه شصت با زنان دهه نود نیز نشان‌دهنده آن است که در ترجیح ملاک‌های داشتن آینده مالی خوب، کوشا و ارتقاجو بودن و خوش‌قیافه بودن تفاوت معناداری (هر سه در سطح $P < 0.01$) بین این دو گروه وجود دارد. این تفاوت‌ها حاکی از آن است که برای زنان دهه نود اهمیت

کوشایی و ارتقاجویی و خوش‌قیافه‌بودن مرد کاهش و اهمیت داشتن آینده مالی خوب افزایش پیدا کرده است (جدول ۴).

جدول ۴: نتایج آزمون t برای تعیین تفاوت ترجیح ملاک‌های انتخاب همسر بین نمونه پژوهش حاضر و پژوهش اوایل دهه شصت

تفاوت بین‌زمانی		تفاوت جنسی ۱۳۹۱		تفاوت جنسی ۱۳۶۱		۱۳۹۱	۱۳۶۲	سن	
p	t	p	t	p	t	M	M		
ns	-۱/۳۷	۰/۰۰۱	-۱۰/۵۲	۰/۰۰۲	۳/۰۶	۱/۳۶	۱/۲۵	مرد	آینده مالی خوب
۰/۰۰۱	-۶/۳۷					۲/۳۵	۲/۰۴	زن	
۰/۰۰۱	۱۰/۷۷	۰/۰۰۱	-۶/۷۷	ns	-۰/۹۸	۲/۰۶	۲/۶۸	مرد	کوشایی و ارتقاجویی
۰/۰۰۱	۵/۷۷					۲/۵۵	۲/۸۱	زن	
۰/۰۳۷	-۲/۱۰	۰/۰۰۱	۹/۲۲	۰/۰۲۷	۱/۹۷	۲/۱۹	۲/۰۷	مرد	خوش‌قیافه
۰/۰۰۱	۴/۳۰					۱/۴۶	۱/۶۹	زن	
۰/۰۲۵	۲/۲۴	۰/۰۱۷	۲/۴۰	۰/۰۴۹	۱/۷۰	۲/۵۱	۲/۶۷	مرد	نداشتن رابطه جنسی
ns	-۰/۲۶					۲/۲۵	۲/۳۳	زن	

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تفاوت ملاک‌های انتخاب همسر دختران و پسران بود. به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد پسران در مقایسه با دختران، در انتخاب خود، به زیبایی و جذابیت جسمانی اهمیت بیشتری می‌دهند، در حالی‌که برای دختران وضع مالی و تعهد مرد مهم‌تر است. تفاوت آماری بین دو جنس از لحاظ ملاک‌هایی که نشانگر زیبایی است، مانند خوش‌قیافه بودن و جذابیت جسمانی و ملاک‌هایی که می‌تواند نشانگر توانایی مالی و تعهد باشد، مانند توانایی مالی خوب، توانایی خوب برای کسب درآمد، کوشایی و ارتقاجویی، شخصیت قابل اتکا و ثبات هیجانی و پختگی عاطفی معنادار بود. این یافته‌ها با یافته‌های عباس‌زاده (۱۳۸۹)، باس (۱۹۸۹)، کنریک و کیف (۱۹۹۲)، تودوسیجویک (۲۰۰۳)، خالد (۲۰۰۵)، وانگ و همکاران (۲۰۱۰) و لی و همکاران (۲۰۱۰) همسوسست و قویاً از نظریه تکاملی انتخاب همسر حمایت می‌کند. طبق نظریه تکاملی، مردان برای اینکه بتوانند احتمال پخش ژن‌های خود را به حداکثر برسانند، باید ویژگی‌هایی را در همسر بالقوه ترجیح دهند که با توانایی تولید مثل مرتبط است (باس، ۱۹۸۶؛ سیمونز، ۱۹۷۹؛ ویلیامز، ۱۹۷۵). ویژگی‌هایی از سیمای ظاهری که مرتبط با جوانی است، مانند پوست نرم، ریتم ماهیچه‌ای خوب، موهای درخشان و رفتارهای نشان‌دهنده جوانی، مانند سطح انرژی بالا و راه‌رفتن با سرزندگی، احتمالاً قوی‌ترین علائم را برای نشان‌دادن قابلیت تولید مثل زنان فراهم می‌کنند

(سیمونز، ۱۹۷۹؛ ویلیامز، ۱۹۷۵؛ باس، ۱۹۸۹). بنابراین جذابیت جسمانی و استانداردهای زیبایی احتمالاً مطابق با این ویژگی‌ها تحول یافته‌اند؛ با این حال موفقیت تولید مثل زنان، برعکس مردان، چندان وابسته به انتخاب مردان بارور نیست. باروری مردان، در مقایسه با باروری زنان، بسیار کمتر به سن وابسته است و با گذشت سن، بعد از بلوغ به گندی کم می‌شود؛ بنابراین نمی‌توان آن را به درستی از طریق سیمای ظاهری سنجید. در نتیجه، سیمای ظاهری در انتخاب همسر باید برای زنان بسیار کمتر از مردان مهم باشد (باس، ۱۹۸۹). یافته‌های مربوط به اختلاف سنی با همسر نیز تمایل تکاملی مردان برای انتخاب زنان جوان و بارور را تأیید می‌کند. در این میان، ۷۷/۶ درصد مردان ترجیح می‌دادند زنان کوچک‌تر از خود داشته باشند، در حالی که تنها ۱ درصد دختران چنین تمایلی داشتند.

نظریه تکاملی انتخاب همسر علت اهمیت دادن زنان به ملاک‌هایی را که با توانایی مالی و تعهد وابسته است، این گونه توجیه می‌کند که زنان کمتر از مردان فرصت بچه‌دار شدن دارند؛ زیرا حداکثر طی دوره‌ای ۲۵ ساله توانایی بچه‌دار شدن داشته و هر بارداری نیز نه ماه طول می‌کشد. در گونه‌هایی با سرمایه‌گذاری والدینی نرها، مانند انسان، ماده‌ها باید نرهایی را به‌عنوان جفت بپذیرند که قادر و مشتاق باشند منابع مرتبط با سرمایه‌گذاری والدینی، مانند غذا، پناهگاه، قلمرو و محافظت را فراهم کنند. در بین انسان‌ها، منابع معمولاً به توانایی کسب درآمد ترجمه می‌شود. بدین ترتیب، پیش‌بینی می‌شود زنان ویژگی‌هایی را در همسر بالقوه ارزشمند بدانند که با توانایی کسب درآمد و تعهد، بیشتر مرتبط است. ترجیح زنان برای انتخاب مردانی با سن بیشتر از خود را نیز می‌توان در این جهت تحلیل کرد. همان‌طور که نتایج نشان داد، ۹۱/۵ درصد دختران ترجیح می‌دهند که با مردان مسن‌تر از خود ازدواج کنند؛ چون مردان با سن بیشتر احتمالاً به منابع حمایتگری بیشتری دسترسی دارند.

همچنین در پژوهش حاضر، مردان بیش از زنان پاکدامنی را در همسر بالقوه باارزش می‌دانستند. این یافته نیز همسو با نتایج پژوهش باس (۱۹۸۷) و خالد (۲۰۰۵) است و ریشه در تاریخ تکامل نوع انسان دارد. در سیستم ازدواج، وقتی مردها سرمایه‌گذاری والدینی دارند، تکامل باید مردهایی را انتخاب کند که می‌کوشند تا مطمئن شوند سرمایه‌گذاری‌شان به بچه‌های خودشان می‌رسد، نه به بچه‌های دیگران. مکانیسمی که احتمال پدری را افزایش می‌دهد، میزان پاکدامنی در همسر بالقوه است (دیکامن، ۱۹۸۱). مردانی که در محیط انطباقی تکاملی، زنان پاکدامن را ترجیح داده‌اند، در مقایسه با مردانی که به تماس جنسی همسر بالقوه‌شان با دیگر مردها بی‌تفاوت بوده‌اند، احتمالاً موفق شده‌اند تولید مثل بیشتری داشته باشند (دالی و ویلسون، ۱۹۸۳؛ دیکمن، ۱۹۸۱). با این حال، درباره پاکدامنی و احتمال والدگری، بین دو جنس تشابه وجود ندارد. در محیط انطباقی تکاملی، در خصوص مادری هرگز شک وجود نداشته است: هر زن می‌تواند مطمئن باشد که فرزندان قلمداد شده او مال خود او هستند، بدون توجه به تجربه جنسی قبلی همسر او (باس، ۱۹۸۹).

مقایسه نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش انجام شده در اوایل دهه شصت، حاکی از آن

است که در طول سه دهه گذشته، دست‌کم چهار تغییر در مهم‌ترین ملاک‌های انتخاب همسر زنان و مردان را می‌توان شناسایی کرد: ۱. افزایش اهمیت آینده مالی خوب مردان برای زنان؛ ۲. کاهش اهمیت کوشا و ارتقا‌جو بودن همسر بالقوه هم برای مردان و هم برای زنان؛ ۳. افزایش اهمیت خوش‌قیافه بودن همسر برای مردان و کاهش اهمیت این ملاک برای زنان؛ ۴. کاهش اهمیت نداشتن رابطه جنسی قبلی زنان برای مردان. برای درک این تغییرات، لازم است به تحولات کشور در چند دهه گذشته نگاهی بیندازیم. در طول سی سال گذشته، به دلیل تحولات اجتماعی و تغییرات سریعی که در ساختار اجتماعی ایران پدید آمده، شکل و ساخت و نقش خانواده دگرگون شده و به تبع آن، وضعیت ازدواج جمعیت ایران نیز دستخوش تغییر شده است. از جمله عوامل مؤثر در تحول وضع ازدواج جمعیت ایران، عبارت‌اند از: افزایش شهرنشینی، فروپاشی خانواده گسترده و شبکه خویشاوندی، افزایش سواد عمومی و تحصیلات، به‌ویژه تحصیلات زنان و اشتغال بیشتر آنان در فعالیت‌های بیرون از خانواده، افزایش هزینه زندگی، به‌ویژه هزینه مسکن، جهیزیه، کاهش ارزش اقتصادی و افزایش هزینه فرزند، رواج نسبی تفکر عقلانی و اشاعه نوآوری‌ها (مهاجرانی، ۱۳۸۹).

با توجه به تحولات مذکور و بهبود وضعیت اجتماعی - اقتصادی زنان در سی سال گذشته، به‌ویژه در زمینه تحصیلات و کار (کاظمی، ۱۳۸۹)، افزایش اهمیت «آینده مالی خوب» برای زنان با نظریه اجتماعی - اقتصادی انتخاب همسر ناهماهنگ است. این نظریه بیان می‌کند که با بهبود وضعیت اجتماعی - اقتصادی زنان، ترجیح آن‌ها برای داشتن همسری با آینده مالی خوب کاهش می‌یابد. البته با نتایج حاصل از پژوهش‌های تونسن‌دف (۱۹۸۹)، ویدرمن و الگیر (۱۹۹۲)، تودوسیجویک و همکاران (۲۰۰۳) و خالد (۲۰۰۵) مبنی بر این یافته هماهنگ است که تأکید زنان بر منابع اقتصادی همسر بالقوه با افزایش وضعیت اجتماعی اقتصادی زنان افزایش می‌یابد. همچنین همسو با یافته‌های موحد (۱۳۸۵) است که در بررسی نگرش دختران درباره روابط پیش از ازدواج، به این نتیجه رسیده است که ۵۸/۴ درصد دختران در انتخاب همسر، دارای ارزش‌های مادی هستند و تنها ۴/۷ درصد دختران ارزش‌های فرامادی دارند. او این موضوع را ناشی از فرایند جامعه‌پذیری آن‌ها در دوران ساخت شخصیتشان و دسترسی کمتر آن‌ها به منابع مالی و اقتصادی در خانواده و جامعه می‌داند؛ به‌طوری که امنیت سازنده در آن‌ها درونی نشده است. این افزایش در اهمیت آینده مالی همسر، همراه با کاهش اهمیت خوش‌قیافه بودن و کوشا و ارتقا‌جو بودن او می‌تواند نشانه‌ای از به‌وجود آمدن نوع جدیدی از ارزش‌ها باشد که تأکید آن بر به‌دست آوردن منابع بیشتر و مادی‌گرایی بیشتر است که این منابع بیشتر، بدون تلاش به‌دست آمده است.

در حالی که زنان جوان ایرانی میان ارزش‌های سنتی و مدرن سرگردان‌اند (موحد، ۱۳۸۵)، به نظر می‌رسد که مردان جوان ایرانی در حال دور شدن بیشتر از ارزش‌های مذهبی و سنتی‌اند. کاهش اهمیت «نداشتن رابطه جنسی قبلی همسر» نیز می‌تواند دلیلی بر این ادعا باشد. این یافته همسو با

یافته‌های موحد (۱۳۸۵) است که نشان داد نگرش مثبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج، در حال افزایش است، در حالی که دین و فرهنگ سنتی به شدت این گونه روابط را نهی کرده است. در گذشته، هنجارها و ارزش‌های دینی یکی از منابع بسیار مهم همسرگزینی و راهنمایی‌کننده افراد در زندگی اجتماعی جامعه ما بوده است؛ ولی یافته‌های این مطالعات نشان می‌دهد که اقتدار سنتی دین و ارزش‌های سنتی و دینی در این زمینه، جای خود را به ارزش‌های برابرنگر و غیرسنتی داده است. علت پایین‌تری کمتر پسران به ارزش‌های سنتی و مذهبی، می‌تواند ناشی از آزاد گذاشته شدن بیشتر مردان در دنبال کردن خواسته‌های خود باشد. پژوهش دلخوش (۱۳۸۸) نیز نشان‌دهنده این آزادی است. در این پژوهش، در حالی که نمره دختران و پسران در خرده‌مقیاس خودپیروی عقلانی مانند هم است؛ ولی در خرده‌مقیاس خودپیروی عاطفی و دنبال کردن تمایلات لذت‌بخش، نمره پسران بیشتر است. افزایش اهمیت «خوش قیافه بودن» همسر نیز می‌تواند ناشی از افزایش این تمایلات باشد.

تغییر الگوی همسرگزینی از سبک‌های سنتی به سمت سبک‌های مدرن در میان جوانان ایرانی چندان با ازدواج موفق همراه نبوده است. شاخص‌های ازدواج موفق، همچون پایداری زناشویی، تداوم، رضایت، سازگاری و تعهد (سایپنگتون، ۱۹۸۹؛ به نقل از حسین شاهی براتی، ۱۳۷۹)، در سبک‌های همسرگزینی سنتی بیشتر تداوم دارد. هرچند در سبک‌های همسرگزینی سنتی، به شاخص عشق و علاقه کمتر توجه شده است، ارزش‌ها و تعهد و اصالت خانوادگی بیشتر به تداوم و سازگاری بیشتر می‌انجامد.

تغییر الگوی همسرگزینی در جامعه ایرانی متأثر از تغییر روستانشینی به شهرنشینی و تغییرات اقتصادی و تأثیرپذیری از ارتباطات جهانی و مدرنیته است. ازدواج و همسرگزینی براساس شاخص‌های مدرن در فرهنگ غربی، مبتنی بر تحولات اجتماعی و توسعه دموکراسی است. این بسترها در جامعه ایرانی وجود ندارد؛ اما شاخص‌های آن به‌طور شکلی در میان جوانان رواج پیدا کرده است و بر سردرگمی و ناپایداری همسرگزینی افزوده است. به‌بیان دیگر، مجموعه‌ای از وضعیت‌های ناهمخوان در همسرگزینی جوانان ایرانی به‌چشم می‌خورد که به ناپایداری ازدواج کمک کرده است. با این توضیح که جوانان در نگرش خود، نگاهی مدرن به انتخاب همسر پیدا کرده و عشق و علاقه و آشنایی اولیه را در رأس قرار داده و پذیرش والدین را چندان مهم ندانسته و ارزش‌های شخصی را مهم‌تر دانسته‌اند، این در حالی است که به‌طور جدی به اقتصاد و فرهنگ و ارزش‌های خانواده وابسته‌اند و استقلال ندارند؛ از این‌رو در تعارضی دوگانه قرار داشته، در زمینه ارزش‌ها در بن‌بست قرار دارند. برای مثال، در انتخاب همسر چندان به روابط جنسی قبل از ازدواج اهمیت نمی‌دهند؛ اما بعد از ازدواج، درگیر جدال اندیشه بین تربیت گذشته خود و واقعیت می‌شوند. این جدال بین سنت و مدرنیته به دلیل نبود بسترهای اجتماعی، معضل بزرگی در سردرگمی همسرگزینی و پیامدهای

بعدی آن در ازدواج است. به همین دلیل، به‌رغم آشنایی و انتخاب عاشقانه در همسرگزینی، جدایی در سال‌های اول زندگی جوانانی فزونی یافته است که زندگی را با عشق و انتخاب شروع کرده‌اند. پژوهش حاضر روی نمونه دانشجویی اجرا شده است؛ از این‌رو در تعمیم یافته‌های به‌دست آمده از آن به نمونه‌های غیردانشجویی، باید جانب احتیاط را رعایت کرد. از دیگر محدودیت‌های یافته‌های پژوهش حاضر، اندک بودن تعداد نمونه و نامشخص بودن چگونگی نمونه‌گیری پژوهشی است که نتایج آن با پژوهش حاضر مقایسه شده است؛ بنابراین در خواندن نتایج به‌دست آمده از تغییرات زمانی، این عوامل باید در نظر گرفته شود.

با توجه به نقش و اهمیت ملاک‌های انتخاب همسر در استحکام و دوام خانواده‌ها و با توجه به جوان بودن جمعیت در ایران و افزایش روزافزون موارد ازدواج و اهمیت این موضوع سرنوشت‌ساز در ارتقای سلامت جسمی و روانی و اجتماعی خانواده و در نهایت جامعه، توجه به چگونگی ملاک‌های انتخاب همسر و مسئله ازدواج به‌صورت نوعی اولویت مطرح است و آموزش‌های منطقی و تخصصی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. همچنین بررسی مداوم و همگام شدن با تغییرات فرهنگی در این زمینه مسئولان کشور را در برنامه‌ریزی اصولی‌تر و کاربردی‌تر برای مدیریت این تغییرات یاری خواهد کرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Mate selection
2. Evolutional theory
3. Socio- economic theory
4. Eagly
5. Wood
6. Social role theory
7. Structural powerlessness theory
8. Hill
9. Kaiser-Meyer-Oliken (KMO) Measure of Sampling Adequacy
10. Bartlett's Test of Sphericity
11. Varimax

کتابنامه فارسی

حرازی، م. ع.، حسنی مطلق، س. م.، صدریان، م. ر. (۱۳۸۰). «بررسی دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد پیرامون عوامل مؤثر بر ازدواج». *مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی شهید صدوقی یزد*، ۱۹(۱)، ۳۷ تا ۴۴.

- حسینی، م.، محمدی، م.، یغمایی، ف.، علوی‌مجد، ح.، یزدجردی، م. (۱۳۸۴). «بررسی معیارهای انتخاب همسر زنان در شرف ازدواج مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی‌درمانی شهری تابعه دانشگاه‌های علوم‌پزشکی شهر تهران». نشریه دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی، ۱۶ (۵۳)، ۲۹ تا ۲۱.
- حیدری، ج.، جعفری، ه.، افضل‌ی، م.، ع.، محمدپور، ر.، ع.، محمودی، ق. (۱۳۸۷). «معیارهای ازدواج از دیدگاه دانشجویان مجرد دانشگاه علوم‌پزشکی مازندران». مجله پژوهش پرستاری، ۳ (۱۱ و ۱۰)، ۶۲ تا ۵۵.
- دلخوش، م. ت. (۱۳۸۸). «سلسله‌مراتب ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی». فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۵ (۱۸)، ۲۰۷ تا ۲۳۰.
- زارع، ب.، اصل‌روستا، ا. (۱۳۸۹). «بررسی ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان درباره معیارهای انتخاب همسر در شهر هشتگرد». مسائل اجتماعی ایران، ۱ (۱)، ۱۰۱ تا ۱۰۱.
- ساینگتون، ا. (۱۹۸۹). *بهداشت روان*. ترجمه حمیدرضا حسین‌شاهی براواتی، تهران: روان، ۱۳۷۹.
- شهیدی، م.، یوسفی، ف. (۱۳۸۷). «بررسی مشکلات و معیارهای ازدواج دانشجویان دانشگاه علوم‌پزشکی کردستان در سال ۱۳۷۸». فصلنامه طب و ترکیه، ۱۰ (۲)، ۱۰ تا ۱۰.
- عباس‌زاده، م.، بهی، م.، دربندی، م.، ع.، یوسفی، م.، جمال‌زاده، ف. (۱۳۸۹). «بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم‌پزشکی زابل در سال ۱۳۸۷». فصلنامه علمی پژوهشی رستمیه، شماره ۳، ۸۰ تا ۸۸.
- کاظمی، ز. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر آرمان‌گرایی توسعه‌ای بر شکاف بین نگرش‌های دختران و مادران آنها نسبت به ازدواج و خانواده». فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۶ (۲۳)، ۲۹۹ تا ۳۱۲.
- موحد، م.، عباسی شوازی، م. ت. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین‌شخصی دو جنس پیش از ازدواج». *مطالعات زنان*، ۴ (۱)، ۶۷ تا ۹۹.
- مهاجرانی، ع. ا. (۱۳۸۹). «تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنتی ازدواج». فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر، ۴ (۱۱)، ۴۱ تا ۵۴.
- نصیرزاده، ر.، رسول‌زاده طباطبایی، ک. (۱۳۸۸). «معیارهای فیزیکی انتخاب همسر در دانشجویان دانشگاه‌های تهران». مجله علمی - پژوهشی اصول بهداشت روانی، ۱ (۱۱)، ۴۱ تا ۵۰.

کتابنامه انگلیسی

- Batabyal, A. A., et al. (2003). Spouse selection in arranged marriages: An analysis of time invariant and time variant decision rules. *Journal of Economic Research*, 8 7791.
- Buss, D. M. (1989). Sex differences in human mate preferences: Evolutionary hypotheses tested in 37 cultures. *Behavioral and Brain Sciences*, 12, 1–49.
- Buss, D. M., Barnes, M. F. (1986). Preferences in human mate selection. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50, 559–570.
- Buss, D. M., et al. (1990). International preferences in selecting mates: A study of 37 cultures. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 21, 5–47.
- Buss, D. M., Shackelford, T. K., Kirkpatrick, L. A., & Larsen, R. J. (2001). A half century of American mate preferences: The cultural evolution of values. *Journal of Marriage and the Family*, 63, 491–503.

- Chang, L., et al. (2010). Chinese mate preferences: Cultural evolution and continuity across a quarter of a century. *Journal of Personality and Individual Differences*, 50 678–683.
- Français, T., et al. (2005). Cultural dimensions and social behavior correlates: Individualism-Collectivism and Power Distance. *Presses Universit es de Grenoble, RIPS / IRSP*, 18 (1), 189-225.
- Frykholm, K. P. (2006). the Significance of Values Implicit Theories for Intimate Relationships. A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, University of Connecticut.
- Goodwin, R., Tinker, M. (2001). value priorities and preferences for a relationship partner. *Journal of Personality and Individual Differences*, 32 1339–1349.
- Gottschall, J., et al. (2004). Sex differences in mate choice criteria are reflected in folktales from around the world and in historical European literature. *Journal of Evolution and Human Behavior*, 25 102–112.
- Hill, R. (1945). Campus values in mate celection. *Journal of Home Economics*, 37,554-58.
- Javakhishvili, N., 2008, mating preferences in choosing a future partner. *Journal of Cognition, Brain, Behavior*, 4, 509-520.
- Khallad, Y. (2005). Mate selection in Jordan: Effects of sex, socio-economic status, and culture. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22, 155–168.
- Koyama, N. F., et al. (2004). Self-reported mate preferences and feminist attitudes regarding marital relations. *Journal of Evolution and Human Behavior*, 25, 327–335.
- Li, N. P., et al. (2010). Mate preferences in the US and Singapore: A cross-cultural test of the mate preference priority model. *Personality and Individual Differences*, doi:10.1016/j.paid.2010.10.005.
- Manning, W. D., et al. (2004). the changing institution of marriage: adolescents' expectations to cohabit and marry. *Journal of Family and Demographic Research*, 05-11.
- Myers,S.M., Booth, A. (1999). Marital strains and marital quality: The role of high and low locus of control. *Journal of Marriage and the Family*, 61, 2; ProQuest Religion, pg. 423.
- Nisbett, R. E. (1998) Evolutionary psychology, biology, and cultural evolution. *Motivation and Emotion*, 14(4), 255-264.
- Reynolds, J., Mansfield, P. (1997). the effect of changing attitudes to marriage on its stability. Lord Chancellor's Department, high divorce rates: the state of the evidence on reasons and remedies - Volume 1 (Papers 1-3) - Research Series No. 2/99.
- Shackelford, T. K., et al. (2005). Mate preferences of married persons in the newlywed year and three years later. *Journal of cognition and emotion*, 19 (8), 1262-1270.
21. Todosijević, B., et al. (2003). Mate selection criteria: A trait desirability assessment study of sex differences in Serbia. *Journal of Evolutionary Psychology*, 1: 116-126.